متن درس فقه استاد شهیدی

ارث زوجه

---------------------

## جلسه 1

**شنبه - 29/3/1400**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

یکی از بحث‌های بسیار مهم بحث ارث زوجه از زمین هست.

مشهور بین متاخرین این هست که زن از زمین ارث نمی‌برد؛ از قیمت ساختمان ارث می‌‌برد. حالا اگر شوهرش فرزند‌دار نشود یک چهارم قیمت ساختمان و از عین بقیه اموال منقول یک چهارم ارث می‌‌برد و اگر شوهرش که فوت کرده فرزند دارد و لو از زن دیگر، یک هشتم از قیمت ساختمان و از اعیان اموال منقول ارث می‌‌برد ولی از زمین به هیچ وجه ارث نمی‌برد. این مشهور بین متاخرین است و قانون هم همین بوده. ولی چند سالی است که قانون عوض شده و قانون جدید این هست که زن از قیمت زمین ارث می‌‌برد همان‌طور که از قیمت ساختمان ارث می‌‌برد. این نظر بین قدماء قائل داشته ولی خلاف مشهور بین متاخرین بوده و الان قانون شده. و این قانون یک مشکلات فقهی به وجود آورده؛ برخی زن‌ها مقلد یک مراجعی هستند که نظر مشهور متاخرین را قائلند و می‌‌گویند زوجه از زمین ارث نمی‌برد اما دادگاه به آن‌ها سهم الارث می‌‌دهد و این بحث پیش می‌آید این‌ها می‌‌توانند این سهم الارث از زمین را می‌‌توانند بگیرند یا نه؟ و لذا ما مناسب دیدیم که اساس بحث فقهی ارث زوجه از زمین را بررسی کنیم. و اگر فرصتی بود به این حکم مسأله بپردازیم که مقلدین فقهاء و مراجعی که قائل به ارث زوجه از زمین نیستند آیا می‌‌توانند طبق این قانون عمل کنند و سهم الارث بگیرند از زمین یا نه؟

در مسأله ارث زوجه از زمین پنج قول وجود دارد و این پنج قول یک مقدار منشأش اختلاف روایات است. ابتداء اقول را بررسی کنیم و بعد بپردازیم به بحث روایات مسأله.

## قول اول (ابن جنید): ارث زوجه از زمین مطلقا

قول اول که قول شاذی هست قول منسوب به ابن جنید است که از فقهاء قدیم بوده و از او و از ابن عقیل تعبیر می‌‌کنند به قدیمین. ابن جنید که از او علامه در مختلف جلد 2 صفحه 34 نقل می‌‌کند قائل بوده به این‌که زوجه مطلقا از زمین ارث می‌‌برد کما این‌که از سایر اموال ارث می‌‌برد. مثل نظر عامه؛ عامه همین نظر را دارند که فرقی در ارث زوجه بین زمین و اموال دیگر شوهر نیست. این قول خلاف اجماع فقهاء متقدمین و متاخرین و خلاف روایات است و لذا این قول رمی به شذوذ شده. و از این قول ما بهتر است که بگذریم.

## قول دوم (سید مرتضی): ارث زوجه از قیمت زمین

قول دوم این هست که گفته می‌‌شود زوجه از قیمت زمین ارث می‌‌برد همان‌طور که از قیمت بناء ارث می‌‌برد. یعنی زوجه مستحق عین زمین نیست، نمی‌تواند مثلا زوجه به فرزندان شوهر متوفایش بگوید من یک هشتم از این زمینی که از پدرتان به ارث رسیده است را مستحقم، این زمین مثلا اگر هشتصد متر است صد مترش را باید به من بدهید و لکن می‌‌تواند بگوید که قیمت این صد متر در بازار هر چه هست قیمت کنید و به من بدهید.

این قول، قول سید مرتضی در انتصار صفحه 585 هست. فرموده است: مما انفردت به الامامیة ان الزوجة لاترث من رِباع المتوفی شیئا بل تعطی بقیمته حقها من البناء دون قیمة العِراص، از منفردات فقه امامیه این هست که می‌‌گویند زن از زمین ارث نمی‌برد ولی از قیمت ساختمان ارث می‌‌برد، و خالف باقی الفقهاء ذلک، باقی فقهاء‌ یعنی فقهاء عامه مخالف هستند، و لم یفرقوا بین الرباع و غيرها في تعلق حق الزوجات، فرقی بین اموال زوجه نمی‌گذارند، از همه این‌ها می‌‌گویند یک هشتم ارث می‌‌برد. از عین زمین، عین بناء، عین سایر اموال زوجه سهم الارث می‌‌برد. بعد فرموده است: و الذی یقوی فی نفسی ان هذه المسألة جاریة مجری الحبوة. ایشان فرموده آن‌چه که در نفس من قوی می‌آید این است که همان‌طور که ما در حبوه گفتیم که ولد اکبر مستحق قیمت حبوه است، این‌جا هم همین را بگوییم که زوجه مستحق قیمت زمین است، و أن الرباع و إن لم تسلّم إلى زوجها فقيمتها محسوبة لها، زمین‌هایی که ساختمان در آن ساخته شده است به زوجه تحویل داده نمی‌شود مگر این‌که قیمت این زمین را باید حساب کنند و به زوجه بدهند.

بعد فرموده است: و يمكن أن يكون الوجه في صد الزوجة عن الرباع أنها ربما تزوجت و أسكنت هذه الرباع من كان ينافس المتوفى أو يغبطه أو يحسده فيثقل ذلك على أهله و عشيرته فعُدل بها عن ذلك على أجمل الوجوه. ایشان می‌‌فرماید شاید منشأ این قول این باشد که اگر عین زمین یا عین ساختمان را به زوجه بدهند او می‌‌شود شریک و سهم خودش را از عین این اموال می‌‌گیرد بعد ممکن است برود ازدواج کند و یک فرد غریب بیاورد بین این فامیل که این فامیل دوست نداشته باشند آن فرد غریب بیاید.

سید مرتضی در صفحه 582 راجع به حبوه خیلی واضح صحبت کرده. گفته: ظاهر ادله حبوه این است که عین حبوه را می‌‌تواند ببرد و این خلاف آیه قرآن است. آیه قرآن می‌‌گوید ورثه در اعیان ترکه حق دارند، چرا این حبوه باید اختصاص پیدا کند به برادر؟ و لذا ایشان فرموده است که ما قیمت حبوه را حساب می‌‌کنیم با برادر. این برداشتی است که از کلام سید مرتضی شده است که ایشان معتقد است که زن از قیمت زمین ارث می‌‌برد.

## کلام محقق هاشمی در تثبیت قول سید مرتضی

همین نظری که بر اساس آن قانون جدید تصویب شده. و مرحوم آقای هاشمی در مجله فقه اهل بیت در ضمن پنج مقاله این مطلب را تثبیت خواستند بکنند. فقه اهل البیت جزء 45 صفحه 13 مقاله ایشان شروع می‌‌شود تا پنج حلقه در این مقام. و ایشان می‌گوید: نه تنها سید مرتضی این نظر را قائل است بلکه عبارت شیخ صدوق هم در فقیه هم همین نظر را افاده می‌‌کند. در من لایحضره الفقیه جلد 4 صفحه 252 در رابطه با روایت ابن ابی یعفور که مفادش ارث زوجه از زمین است می‌گوید: قال مصنف هذا الکتاب: هذا اذا كان لها منه ولد اما اذا لم يكن لها منه ولد فلا ترث من الاصول لا قيمتها. این روایتی که می‌‌گوید زوجه از زمین ارث می‌‌برد که ظاهرش این است که از عین زمین ارث می‌‌برد این مخصوص زوجه‌ای است که ولد دارد از این شوهر متوفی اما اگر فرزندی از او ندارد فقط از قیمت اصول ارث می‌‌برد. اطلاق اصول شامل زمین هم می‌‌شود، فقط از قیمت زمین ارث می‌‌برد. و همین‌طور ابی الصلاح حلبی در کافی صفحه 374 می‌‌گوید ولا ترث الزوجة من رقاب الرباع والأرضين شيئا و ترث من قيمة الرباع و الارضین كسائر الآلات. می‌‌گوید زوجه از قیمت رباع یعنی زمین مسکونی و سایر زمین‌ها، کشاورزی و مانند آن ارث می‌‌برد. این هم قول دوم که قول مختار آقای هاشمی هست که قانون جدید هم بر اساس این قول نوشته شده.

## قول سوم (مشهور قدماء): تفصیل بین ذات ولد و غیرها

قول سوم تفصیل بین زوجه‌ای است که از این شوهر فرزند دارد، از جمیع اعیان اموال او ارث می‌‌برد، ولی اگر این زوجه از این زوج متوفی فرزند ندارد از زمین که اصلا ارث نمی‌برد و از بناء قیمت بناء را ارث می‌‌برد، یک هشتم قیمت بناء را ارث می‌‌برد. این نظری است که منسوب به مشهور قدماء است و شیخ طوسی صریحا این نظر را اختیار کرده و همین‌طور برخی از فقهاء مثل ابن حمزة‌ در وسیله، ابن براج در مهذب. ما عبارت شیخ طوسی را بخوانیم، ‌در نهایه صفحه 242 می‌‌گوید المرأة لاترث من زوجها من الارضین، تا این‌جا می‌‌رسد می‌‌گوید: و هذا الحکم الذی ذکرنا انما یکون اذا لم یکن للمرأة ولد من المیت فإن كان لها منه ولد أعطيت حقها من جميع ما ذكرناه من الضياع و العقار و الدور و المساكن. اگر زوجه از این زوج متوفی فرزند داشته باشد از زمین باقی مانده از او ارث می‌‌برد، آن زوجه‌ای ارث نمی‌برد از زمین که فرزند ندارد از شوهر متوفایش.

محقق حلی در شرایع جلد 4 صفحه 835 می‌‌گوید: اذا کان للزوجة من المیت ولد ورثت من جمیع ما ترک و لو لم یکن، اگر فرزند ندارد از زوج متوفایش، لم ترث من الارض شیئا و أعطيت حصتها من قيمة الآلات والأبنية.

علامه هم در قواعد الاحکام جلد 3 صفحه 376 فرموده الزوجة ان کان لها ولد من المیت فکذلک، زوجه اگر فرزند دارد از میت مثل زوج، چه جور زوج یرث من جمیع ما تخلفه المرأة، چه جور زوج یک مثلا دوم اموال زوجه‌اش را که فرزند ندارد کلا به ارث می‌‌برد یا اگر زوجه‌اش فرزند دارد یک چهارم اموال او را کلا ارث می‌‌برد، فرقی بین زمین و غیر زمین نیست، ‌زوجه هم اگر فرزند دارد از زوج متوفی او هم همین‌طور، و ان لم یکن لها ولد فالمشهور انها ترث من عقبة الارض شیئا، اگر فرزند ندارد این زوجه از آن زوج متوفی مشهور این است که از زمین ارث نمی‌برد، و قیل ترث من قیمة الارض، ولی بعضی‌ها گفتند از قیمت زمین ارث می‌‌برد.

در کتاب ارشاد الأذهان هم همین تفصیل را ایشان قائل شده. جلد 2 صفحه 125. بین زنی که فرزند دارد از شوهرش از جمیع اموال او ارث می‌‌برد، زمین غیر زمین. ولی اگر فرزند ندارد از او، از زمین ارث نمی‌برد.

این هم قول سوم که به خاطرم هست جناب آقای صافی گلپایگانی کتابی نوشتند ارث الزوجة‌، نظر ایشان همین است که بین ذات ولد از این شوهر و غیر ذات ولد از این شوهر تفصیل بدهیم که همین قول سوم است.

## قول چهارم (شیخ مفید): تفصیل بین زمین‌ مسکونی و غیر آن

قول چهارم قولی است که شیخ مفید در مقنعه صفحه 687 بیان کردند. ایشان تفصیل داده بین اموال، فرموده ما یک ارض الرباع داریم، یک ارض الضیاع داریم. ارض الرباع یعنی زمین‌های مسکونی، ارض الضیاع یعنی زمین‌های کشاورزی و مانند آن. زوجه از ارض الرباع ارث می‌‌برد ولی از ارض الضیاع زمین‌های کشاورزی، باغ ارث می‌‌برد. این هم قول چهارم.

## قول پنجم (مشهور متاخرین): عدم ارث زوجه از زمین مطلقا

قول پنجم همین قول مشهور بین متاخرین هست که زمین کلا استثناء هست از سهم الارث زوجه؛ مطلقا چه زوجه فرزند داشته باشد از این شوهر چه فرزند نداشته باشد از این شوهر، از زمینی که از او به ارث رسیده سهمی ندارد نه به لحاظ عین زمین نه به لحاظ قیمت زمین، ولی از قیمت ساختمان ارث می‌‌برد. بین قدماء ابن ادریس در سرائر این قول را قائل شده. جلد 3 سرائر صفحه 259.

از این‌جا ما می‌‌فهمیم این‌که در کلمات برخی از متاخرین مثل صاحب ریاض استفاده می‌‌شود که محروم بودن زوجه از از ارث زمین مطلقا چه عینا چه قیمتا مورد اجماع است که در ریاض جلد 12 صفحه 589 نقل کرده یا همین‌طور مرحوم نراقی در مستند الشیعة جلد 19 صفحه 359 بیان کردند، نه، این‌طور نیست، ما عرض کردیم سید مرتضی می‌‌گوید زوجه از قیمت زمین ارث می‌‌برد. بلکه مشهور متقدمین هم تفصیل دادند بین ذات ولد و غیر ذات ولد.

## تنقیح محل نزاع از زمین در بین اقسام مختلف آن

من قبل از این‌که وارد بحث استدلالی بشوم مناسب است این را عرض کنم که زمین‌ها الان چند جور است: زمین‌های ملکی که عین زمین به ارث می‌‌رسد، این محل بحث است، مشهور متاخرین می‌‌گویند زوجه از این زمین ارث نمی‌برد. حالا زمین ملکی ممکن است بنائی در او نباشد یا بنائی در او باشد، حالا آن هم بناء ویلایی یا بناء آپارتمانی. چون ساختمان‌های آپارتمانی هم در سهم‌شان از آپارتمان از زمین، صاحب آپارتمان سهم دارد. مثلا اگر یک زمین سیصد متری هست شش واحد ساختند یک ششم این زمین هم مال صاحب این آپارتمانی است که یک ششم از این ساختمان هست. مشهور این است که از زمین ارث نمی‌برد زوجه، این آپارتمان را ساختمانش را قیمت می‌‌کنند و از او ارث می‌‌برد.

اما زمین‌هایی هست موقوفی مثل زمین‌های آستانه یا زمین‌هایی مثلا فرض کنید که وقف اولاد هست، در قم هست، جاهای دیگر هم شاید باشد، اجاره دادند، اجاره مثلا نود ساله. آن‌جا بحث ارث از زمین مطرح نیست، زوجه از آن منافع این زمین که مورد اجاره است ارث می‌‌برد، در او بحثی نیست. و لذا باید توجه بشود که طبق مسلک مشهور متاخرین آن زوجه‌ای که شوهرش زمین موقوفی را خریداری کرده به اصطلاح عرف عام یعنی در واقع اجاره درازمدت کرده او شانس می‌‌آورد. اینی هم که می‌‌گویند دنبال خرید خانه‌هایی که زمینش موقوفه است نروید، نه، همچین بد هم نیست، ‌به نفع این زن این خریدار هست، ‌او ارث می‌‌برد. چون در واقع از منافع این زمین مورد اجاره ارث می‌‌برد. یا الان مسکن مهر که زمینش اجاره نود و نه ساله است، پس اگر کسانی مسکن مهر تهیه کردند، فوت بکنند، زن‌شان از زمین ارث می‌‌برند چون زمین اجاره است فعلا.

یا یک بحثی هست راجع به زمین‌های موات، رفته پردیسان یک دویست متر زمین خریده، ‌آن‌جا زمین موات است دیگر، زمین موات یعنی سابقه کشاورزی، سابقه ساختمان ندارد، یک وقت این آقایی که این زمین خریده رفته آماده احیاء شده به او می‌‌گویند حق تحجیر دارد، یک وقت نه، این زمین موات را خریده فعلا کاری ندارد، او حق شرعی ندارد نسبت به این زمین ولی حق عرفی دارد خریدار. حالا اگر فوت بکند، زمین موات که ملک شوهر نبوده که بگوییم به ارث می‌‌رسد یا نمی‌رسد این زمین، این‌جا باید بحث کنیم که آن حق تحجیر آیا زن از آن حق تحجیر سهمی می‌‌برد یا نمی‌برد. اگر بخواهیم تشبیه کنیم تشبیه می‌‌کنیم به حق سرقفلی. این مغازه‌هایی که افراد سرقفلیش را می‌‌خرند، اصلا ساختمانش هیچ قیمت نداشته باشد ولی سرقفلی این زمین قیمت دارد، آن سرقفلی به ارث می‌‌رسد به زوجه. شانس این زوجه‌ای که شوهرش سرقفلی خریداری کرده خیلی بیشتر از آن زنی است که شوهرش عین این ملک را خریداری کرده. مشهور می‌‌گویند از عین زمین ارث نمی‌برد، ‌از قیمت این بناء ارث می‌‌برد که چه بسا این بناء آن‌قدر کهنه است هیچ عرف برایش قیمت‌گذاری نمی‌کند. پس راجع به ارض مواتی که حق تحجیر دارد شوهر آن‌جا باید بحث کنیم آیا زوجه از این حق تحجیر ارث می‌‌برد یا نمی‌برد. از عین زمین ارث نمی‌برد از حق تحجیر چرا ارث نبرد؟ خود این یک بحثی است که باید دنبال شود. یا راجع به همان حق عرفی که قبل از تحجیر، شوهر نسبت به او امتیاز پیدا می‌‌کند.

و لذا آقای سیستانی فرموده این زن بگوید تا یک هشتم این زمین را به من ندهی یا مثلا قیمت این یک هشتم زمین را به من ندهی من نمی‌آیم در دادگاه امضاء کنم که ایشان این زمین را بدهند به شما، من اصلا نمی‌آیم حصر وراثت بکنم، ایشان می‌‌فرمایند ایشان حق دارد، شرعی است این حق، من وظیفه‌ای ندارم بیایم دادگاه امضاء کنم، شما به من این مبلغ بدهید من بیایم. این‌ها مطالبی است که انشاءالله باید مورد بررسی قرار بگیرد.

## بررسی اجمالی آیات و روایات

ما ببینیم مقتضای آیات و روایات چیست. مقتضای آیات که معلوم است: اطلاق آیات اقتضاء می‌‌کند که زوجه اگر از شوهرش فرزند ندارد یک چهارم کل ما ترک این زوج را مالک می‌‌شود و اگر از شوهرش فرزند دارد یک هشتم کل مال را مالک می‌‌شود. تفصیل نداده بین زمین یا غیر زمین. قرآن کریم که فرائض ارث را بیان می‌‌کند می‌‌فرماید و لکم نصف ما ترک ازواجکم ان لم یکن لهن ولد فان کان لهن ولد فلکم الربع مما ترکن من بعد وصیة یوصین بها أو دین و لهن الربع مما ترکتم ان لم یکن لکم ولد فان کان لکم ولد فلهن الثمن مما ترکتم من بعد وصیة توصون بها أو دین. نساء آیه 12. مقتضای این آیه شریفه این است که زوجه از کل ما ترک زوج ارث می‌‌برد؛ فرقی هم بین زمین و غیر زمین نیست.

در روایات هم برخی از روایات بطور مطلق همین مطلب را بیان کردند. مثلا در معتبره محمد بن صحاف وسائل جلد 26 صفحه 202 می‌‌گوید مات محمد بن ابن ابی عمیر بیاع الصابری و اوصی الیّ و ترک امرأة لم یترک وارثا غیرها فکتبت الی العبد الصالح علیه السلام فکتب علیه السلام اعط المرأة‌ الربع و احمل الباقی الینا. یک چهارم ما ترک محمد بن ابی بیاع صابری را به همسرش بدهید بقیه را برای ما بفرست. تفصیل ندادند بین این‌که این زن چیزی که می‌‌خواهد به او برسد زمین است غیر زمین است. یا مثلا در صحیحه محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام است فی رجل مات و ترک امرأته قال لها الربع.

البته این‌که ما بقی ربع برای امام است مورد اختلاف روایات است. بعضی روایات می‌‌گوید اگر وارثی غیر از زوجه ندارد ما بقی للامام، غیر از ربع برای امام است بعضی از روایات مثل معتبره ابی بصیر که در صفحه 203 وسائل در همین جلد 26 آمده دارد که المال لها، کل اموال ارث این زوجه. حالا او مورد اختلاف است اما راجع به این‌که ربع کل ترکه را می‌‌گویند بدهید به این زوجه تفصیل نمی‌دهند بین زمین و غیر زمین. این جهت در این روایات هست.

اما روایات خاصه‌ای داریم که در وسائل به این عنوان نقل کرده: باب أنّ الزوجة إذا لم يكن لها منه ولد لا ترث من العقار و الدور و السلاح و الدواب شيئاً و لها من قيمة ما عدا الأرض. زوجه اگر فرزندی از زوج متوفایش ندارد از زمین باقی مانده از او ارث نمی‌برد. وسائل جلد 26 صفحه 205. بعد روایات را مطرح می‌‌کند، ان‌شاءالله در جلسه آینده این روایات را بررسی می‌‌کنیم.

در این بحث، بحث مهمی است، مخصوصا در زمان ما زمین زیاد ارزش پیدا کرده، گاهی عمده هشت یک میت همان زمین است که اگر زوجه محروم بشود از و لو قیمت این زمین خیلی خسارت می‌‌کند، هیچ چیز به او نمی‌رسد. چیزهای دیگر آن‌قدر ارزش ندارد، پول نقد خیلی ندارد ایشان، آن‌چه اثاث منزل است چندان ارزشی ندارد، عمده ارزش اموال مردم همین اموال غیر منقول‌شان است که عمدتا زمین است. که طبق نظر مشهور متاخرین زمین به هیچ وجه از زمین ارث نمی‌برد. ببینیم بحث اگر روشن بشود حالا یا به نظر مشهور متاخرین یا نظر سید مرتضی که آقای هاشمی در مجله فقه اهل بیت تقویت کردند، یک طرف قضیه روشن بشود که زن از قیمت زمین ارث می‌‌برد، سید مرتضی این‌جور گفته، آقای هاشمی این را گفتند، ‌قانون جدید این را گفته، اگر یک طرف مسأله روشن بشود خیلی تاثیرگذار است در شرائط جامعه و به حال زنان، و لذا بحث، ‌بحث مهمی است و ان‌شاءالله این بحث را دنبال کنیم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.